

An Examination of the Application of Qur'anic Verses in the Historiography of Safavid Wars (907-1038 AH / 1501-1629 CE)

Mahmud Mehmannaavaz ¹  Yusuf Karami Chameh ²  Marzieh Jamshidnejhad ³ 

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Language and Literature, Amin Police University, Tehran, Iran.

3. M.A. in Islamic History, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Corresponding Email: mehmannaavaz86@gmail.com



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493783.1419>

Article History:

Received: 2024-12-13

Revised: 2025-01-30

Accepted: 2025-02-14

Online First: 2025-06-02

Keywords

Safavid,
Historiography,
Qur'anic Verses,
War.

Type of Article:

Review

Abstract: The Safavid dynasty was established by Shah Ismā'il in 907 AH (1501 CE). The foundation and subsequent consolidation of Safavid rule were accompanied by numerous wars—both internal, against domestic rivals, and external, in response to foreign threats. These conflicts resulted in a mix of victories and failures. Safavid historians were responsible for narrating these wars, regardless of the outcome; however, their depictions had to be ideologically consistent and avoid offending the ruling monarchs. One of the key features of Safavid war historiography is the use of Qur'anic verses, known as āyeh-negārī (Qur'anic verse inscription). This study investigates the application of Qur'anic verses in Safavid war narratives. It argues that the primary function of invoking the Qur'an in historical accounts was to legitimize the military actions of the Safavid rulers. The findings show that Safavid historians strategically used verses to justify warfare, frame violent acts, rationalize defeats, and attribute victories to divine favor—often likening kings to prophets. The verses were chosen to affirm specific ideological aims. This historical-analytical study is based on library sources, with interpretation grounded in contemporary Safavid chronicles.

How to cite:

Mehmannaavaz, Mahmud., Karami Chameh, Yusuf., Jamshidnejhad, Marzieh . (2025). An Examination of the Application of Qur'anic Verses in the Historiography of Safavid Wars (907-1038 AH / 1501-1629 CE). *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 113-129. <http://doi.org/10.22034/jksl.2025.493783.1419>

©2025 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



بررسی و تبیین کاربرد آیات قرآن در روایت جنگ‌های دوره صفویه از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق



دریافت: ۱۴۰۳-۰۹-۲۳
بازنگری: ۱۴۰۳-۱۱-۱۱
پذیرش: ۱۴۰۳-۱۱-۲۶
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۳-۱۲

محمود مهمان نواز^{*۱}
یوسف کرمی چمه^۲
مرضیه جمشیدنژاد^۳

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493783.1419> doi

مقاله: مروری

چکیده

سلسله صفویه در سال ۹۰۷ توسط شاه اسماعیل صفوی تشکیل شد. استقرار حکومت صفویه در ایران و در ادامه، تحکیم و ادامه حیات این سلسله، با جنگ‌های متعددی همراه شد. این جنگ‌ها هم در عرصه داخلی جهت مقابله با مخالفان داخلی و هم در عرصه خارجی جهت مقابله با تهدیدات خارجی رخ داد که گاهی با موفقیت صفویان و گاهی نیز با عدم کامیابی آن‌ها همراه بود. در این میان، مورخان صفوی موظف به روایت جنگ‌ها بدون توجه به نتایج آن‌ها بودند؛ اما این روایت نباید به گونه‌ای رخ می‌داد که سبب آزرده‌گی شاهان صفوی می‌شد. بر این اساس مورخان صفوی در روایت جنگ‌های آن دوره سعی می‌کردند در راستای ایدئولوژی صفویان و باورهای اعتقادی آن‌ها گام بردارند. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های روایت جنگ‌های صفویان، استفاده از آیات قرآن و در اصطلاح آیه‌نگاری بوده است. این پژوهش با هدف بررسی کاربرد آیات قرآن در روایت جنگ‌های دوره صفوی توسط مورخان آن دوره به انجام رسیده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف مورخان صفوی در استفاده از آیات قرآن در روایت جنگ‌های دوره صفوی، مشروعیت‌بخشی به اقدامات جنگی شاهان این سلسله بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مورخان صفوی در روایت آیه‌نگارانه از جنگ‌های دوره صفویان اهدافی مانند مشروعیت‌بخشیدن به جنگ‌های صفویان، توجیه اقدامات خشن صفویان در میادین جنگ، توجیه شکست‌های صفویان و نسبت دادن پیروزی‌های آنان به خداوند (تشبیه شاهان به پیامبران الهی) داشته‌اند. مورخان صفوی در همین ارتباط، به گونه‌ای از آیات قرآن استفاده می‌کردند که تصدیق‌کننده منظور و هدف آن‌ها باشد. روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است. ابزار اصلی پژوهش استناد به منابع آن دوره است که در نهایت بر پایه یافته‌های حاصل از منابع، استنتاج و تبیین و تحلیل به عمل آمده است.

واژگان کلیدی: صفویه، تاریخ‌نگاری، آیات قرآن، جنگ.

استناد به مقاله:

مهمان نواز، محمود؛ کرمی چمه، یوسف؛ و جمشیدنژاد، مرضیه. (۱۴۰۴). بررسی و تبیین کاربرد آیات قرآن در روایت جنگ‌های دوره صفویه از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۲)، ۱۱۳-۱۲۹.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493783.1419>

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.



۱. مقدمه

تشکیل حکومت صفوی در ایران حاصل بیش از دو قرن تلاش رهبران طریقت صفوی به شیوه‌های مختلفی بود. از زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی تا پایان رهبری شیخ ابراهیم بر طریقت صفوی، رهبران این طریقت از شیوه‌ای واحد، یعنی ارشاد مریدان و پرداختن به امور معنوی تبعیت می‌کردند. با روی کار آمدن شیخ جنید و شیخ حیدر، نخستین تلاش‌های نظامی خاندان صفوی برای تصاحب حکومت شکل گرفت. این تلاش‌ها در زمان شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷ق) به نتیجه رسید و سبب تشکیل حکومت صفویان شد. بسیاری حکومت صفویان را نخستین حکومت مستقل ایرانی بعد از اسلام می‌دانند؛ دینی که توانست مرزهای جغرافیایی ایران را احیا نماید. صفویان در بُعد مذهبی نیز با رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع دوازده امامی، نخستین حکومت مقتداری را که مروج این مذهب بود، تأسیس کردند. حکومت تازه تأسیس صفویان برای ادامه حیات و همچنین حفظ استقلال سیاسی مذهبی خویش نیازمند مشروعیت داخلی بود؛ از این رو حاکمان صفوی در راستای مشروعیت بخشی به حکومت خویش، دست به تلاش‌هایی در همه ابعاد زدند. تاریخ‌نگاری و مورخان یکی از ابزارهایی بود که صفویان از ظرفیت مشروعیت بخشی آن غافل نبودند.

تاریخ‌نگاری صفوی تقریباً ادامه‌دهنده سنت پیش از خود بود. از مهم‌ترین شاخصه‌های تاریخ‌نگاری این دوره، توجه به رویکرد مذهبی در روایت حوادث بود و در همین راستا، بهره بردن از آیات قرآن اهمیت ویژه‌ای داشت. مورخان این دوره، از آیات قرآن در آثار خود برای اثبات حقانیت تشیع در مقابل تسنن، تبلیغ دولت صفویه و اثبات حقانیت آن در برابر دولت‌های مجاور، بسط تقدیرگرایی و در سطح بالاتر اثبات مشروعیت صفویان برای حکومت استفاده کردند (پاینده، ۱۳۹۷، ص ۱۱۴). یکی از الگوهای پرکاربرد که نشان‌دهنده رویکرد مذهبی صفویان به خصوص در جنگ‌هاست، اتکا بر آیات متعدد و متنوع قرآنی و استفاده از آن‌هاست (متولی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱). یکی از مهم‌ترین محورهای روایت تاریخ توسط مورخان صفوی، روایت جنگ‌های آن دوره است. استفاده از آیات قرآن، در روایت جنگ‌های آن دوره کاربرد اساسی داشت. مورخان صفوی جهت اثبات حقانیت صفویان در جنگ‌های آن دوره، از آیات قرآن استفاده کردند. این پژوهش با هدف بررسی نقش آیات قرآن در روایت جنگ‌های دوره صفوی به انجام رسیده است. مهم‌ترین دغدغه این پژوهش، بررسی چرایی استفاده گسترده مورخان صفوی از آیات قرآن در روایت جنگ‌های دوره صفویان است. در همین راستا، این پژوهش بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد: مهم‌ترین اهداف مورخان صفوی از روایت آیه‌نگارانه از جنگ‌های آن دوره چه بود؟ مورخان صفوی چگونه از آیات قرآن جهت روایت موفقیت‌ها و شکست‌های شاهان این سلسله در میدان جنگ استفاده می‌کردند؟

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با کاربرد آیات قرآن در روایت جنگ‌های صفویان، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است. پاینده و جعفری (۱۳۹۷) در مقاله «اسکندریبگ ترکمان و آیه‌نگاری‌اش در عالم‌آرای عباسی»، به طور کلی به آیه‌نگاری در متن عالم‌آرای عباسی پرداخته‌اند. این پژوهش صرفاً متن یک اثر تاریخ‌نگاری دوره صفوی را بررسی کرده است. مهمان‌نواز (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی روایت آیه‌نگارانه تاریخ‌نگاری صفوی از قدرت‌گیری شاه اسماعیل»، به مسئله قدرت‌گیری شاه اسماعیل با رویکرد آیه‌نگارانه توجه نشان کرده است. این مقاله به جنبه‌های مختلف قدرت‌گیری شاه اسماعیل پرداخته و در بخشی از آن به جنگ‌های شاه اسماعیل با مدعیان داخلی از نگاه آیه‌نگارانه نیز پرداخته است. قاسمی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «تعبیر قرآنی به منزله نشانگان فرهنگی مشروعیت بخش شاه اسماعیل اول صفوی؛ مطالعه موردی فتوحات شاهی»، به رویکرد آیه‌نگارانه کتاب فتوحات شاهی جهت مشروعیت بخشیدن به قدرت شاه اسماعیل توجه نشان داده‌اند. غفرانی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه؛

مطالعه موردی تاریخ ایلچی نظام‌شاه» به انجام رسانده‌اند. پژوهش دیگری نزدیک به کار غفرانی و همکاران، توسط متولی و محمدی (۱۴۰۲) با عنوان «تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه؛ مطالعه موردی کتاب خلد برین» انجام شده است. در این دو پژوهش، نویسندگان به کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی یکی از متون تاریخ‌نگاری دوره صفویه توجه نشان داده‌اند و اساساً مسئله کاربرد آیات قرآن در روایت جنگ‌های دوره صفوی دغدغه و مسئله آن‌ها نبوده است. به هر روی، تفاوت پژوهش حاضر با موارد ذکرشده آن است که در این مقالات، آیه‌نگاری در یک اثر یا در موضوعی غیر از جنگ که موردنظر پژوهش حاضر است، بررسی شده است؛ اما این پژوهش بر آن است تا درباره نوع و دلایل مورخان و تاریخ‌نگاری صفویان در استفاده از آیات قرآن در روایت جنگ پژوهش کند.

۳. روش و ابزار پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، تبیینی تحلیلی با رویکردی تاریخی است. «تلاش محقق در روش تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به صورتی منظم و عینی ارائه کند» (نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۸۵، ص ۶۶). جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته و در نهایت بر پایه یافته‌های حاصل از منابع گوناگون، استنتاج و تبیین به عمل آمده است. روش کتابخانه‌ای در پژوهش‌های تاریخی اهمیت و کاربرد فراوانی دارد. مهم‌ترین ابزار در این تحقیق، متون تاریخی نگاشته‌شده توسط مورخان صفوی تا پایان حکومت شاه‌عباس اول (۱۱۳۸ق) است. در انجام این پژوهش، تمامی منابع تاریخی نگاشته‌شده در آن دوره بررسی شده است؛ در این بین برخی از منابع تقریباً اطلاعاتی در مورد پژوهش حاضر ارائه نکرده‌اند. با وجود این، بخش زیادی از منابع آن دوره به مسئله آیه‌نگاری توجه کرده‌اند. به نظر می‌رسد هر اندازه زمان نگارش متن تاریخی به زمان وقوع جنگ‌ها نزدیک‌تر بوده، میزان استفاده از آیات و تعبیرات قرآنی نیز افزایش یافته است. به عنوان نمونه، کتاب فتوحات شاهی نگاشته امینی هروی که تقریباً همزمان با جنگ‌های دوره شاه‌اسماعیل است، بیشترین استفاده را از آیات قرآن برای روایت این جنگ‌ها داشته؛ اما کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی که در زمان شاه‌عباس اول نگاشته شده، هنگام روایت جنگ‌های دوره شاه‌اسماعیل به مراتب از تعداد کمتری از آیات استفاده کرده است؛ البته اسکندر بیگ در هنگام روایت جنگ‌های زمان شاه‌عباس، استفاده گسترده‌ای از آیات قرآن کرده است.

۴. مشروعیت بخشی به خشونت جنگی

یکی از خصوصیات جنگ‌ها خشونت است که در پی آن‌ها رخ می‌دهد. در بسیاری مواقع، این خشونت، بی‌حد و حصر است و تقریباً هیچ توجیه قانع‌کننده‌ای برای عاملان خشونت وجود ندارد. این نوع خشونت ممکن است سبب ویرانی و نابودی یک قبیله، قوم یا شهر شود که طبیعتاً افراد بیگناه زیادی نیز در آن کشته یا آواره می‌شوند. یکی از خصوصیات بارز حکومت صفویان، به‌ویژه در مقابله با دشمنان داخلی، خشونت بی‌حد و حصر آن‌ها بود؛ به گونه‌ای که مؤسس این سلسله (شاه‌اسماعیل) برای استقرار حکومت صفویان، خشونت کم‌نظیر نشان داد. این موضوع در تمام دوران حکومت صفوی قابل رصد است. یکی از مهم‌ترین وظایف مورخان صفوی، به عنوان بازوان تبلیغی حکومت صفوی، توجیه و تلطیف این خشونت بود. به سبب فضای مذهبی حاکم بر جامعه ایران در روزگار صفویان و البته در سراسر دنیای اسلام در آن زمان، یکی از بهترین شیوه‌های توجیه خشونت، توسل به روش‌های مذهبی بود. مورخان صفوی در خلال روایت جنگ‌های آن دوره سعی کردند خشونت ناشی از جنگ‌ها را با استفاده از آیات قرآن کریم مشروع جلوه دهند. یکی از راهکارهای مشروع جلوه دادن خشونت جنگی صفویان، مقصر جلوه دادن قربانیان جنگ با استفاده از آیات قرآن بود.

یکی از اهداف جنگی همیشگی صفویان، گرجستان بود. در دوره شاه‌طهماسب حملات متعددی به آنجا صورت گرفت و منجر به کشتار گسترده‌ای در آن مناطق شد:

مورخان صفوی سعی نموده‌اند با استفاده از آیات قرآن، این عمل شاه‌طهماسب و نیروهای صفوی را امری الهی تلقی نمایند و در این زمینه حتی در تغییر دادن کلماتی از آیات قرآن نیز ابایی نداشته‌اند. آیه ۳۶ سورة مبارکه توبه، در توجیه کشتارهای طهماسب در گرجستان بیشترین کارایی را داشته است. در قسمتی از آیه ۳۶ توبه آمده است: «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً»؛ اما مورخان صفوی با تغییر کلمه «قَاتِلُوا» به «اقتلوا»، جنگیدن را به صورت کشتن درآورده‌اند که به این شیوه در پی توجیه و به‌نوعی مشروعیت دادن به کشتارهای وحشتناک شاه‌طهماسب در گرجستان هستند» (مهمان‌نواز، ۱۴۰۰، ص ۴۹؛ همچنین نک: حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷۰؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۷؛ خوزانی اصفهانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۷۶).

تاریخ ایلچی در همین رابطه، از قسمتی از آیه ۸۹ سورة نساء: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹) استفاده کرده است که به طور مستقیم به کشتن کفار اشاره دارد. البته مورخان صفوی در توجیه کشتار مردم گرجستان دست بازتری داشتند؛ زیرا آن‌ها غیرمسلمان (مسیحی) بودند و از این جهت کشتار گرجیان را با آیاتی که در وصف کفار آمده است، مانند کهف: ۹۴، انبیاء: ۹۶، حجر: ۷۴، صافات: ۶۵، رعد: ۱۸ و آل‌عمران: ۱۲ (روملو، ۱۳۵۷، صص ۴۸۸-۴۵۱ و ۴۹۱؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۸۷-۸۸؛ خوزانی اصفهانی، ۱۳۹۸، ج ۳، صص ۳۷۶، ۳۱۶ و ۳۱۳؛ واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۷؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷۰) توجیه می‌کردند (برای مطالعه بیشتر نک: مهمان‌نواز، ۱۴۰۰، صص ۴۵-۶۴). استفاده مکرر از آیات جهادی در وصف حمله به گرجستان می‌توانست در راستای هدف القای ادعای رهبری صفویان بر جهان اسلام و دفاع آنان از نوامیس مسلمانان در برابر غیرمسلمانان باشد. هدف غایی این مطلب نیز مشروعیت‌بخشی به کلیت حکومت صفویان بود؛ به‌ویژه آنکه روزگار شاه‌طهماسب دوران تثبیت حکومت صفویان بود و آن‌ها همچنان نیازمند تقویت مبانی مشروعیت‌بخش حکومت خویش بودند.

در زمان اشغال خراسان توسط ازبکان در زمان شاه‌عباس اول که با خشونت همراه بود، افوشته‌ای نظنزی با استناد به آیه ۱۱ سورة رعد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»، در پی بیان این منظور بود که عامه مردم تا زمانی که در جاده اطاعت و بندگی باشند و شریعت و تقوای الهی پیشه کنند، درهای نعمت، رحمت، امنیت و سلامت به روی آن‌ها باز است؛ یعنی تا زمانی که مردم با حکومت صفوی همراه و دوستدار آن‌ها باشند، قطعاً در رفاه خواهند بود؛ اما زمانی که تغییر وضع دهند، مصداق آیه ۲۱ سورة نور: «وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (افوشته‌ای نظنزی، ۱۳۵۰، صص ۵۸۰-۵۷۹) و درواقع تابع شیطان می‌شوند و طریق عصیان و نافرمانی در پیش می‌گیرند و اعمال ناشایست انجام می‌دهند. به سخن دیگر، روی‌گردانی از پادشاه برحق صفوی سبب گرفتاری و رسیدن بلا به آن‌ها و وارد آمدن خلل و نقصان در ایمان و اعتقادشان خواهد شد. رحمت به زحمت و نعمت به نعمت مبدل می‌شود و انواع سختی و مشقت و خواری به آن‌ها می‌رسد. پس سختی مردم خراسان در زمان حمله ازبکان، ناشی از رفتار خود آن‌ها بود که قدر نعمت صفویان را ندانستند. از نظر مورخان صفوی، این بلاها بر سر مردم خراسان به ناتوانی صفویان در دفاع از خراسان ارتباطی نداشت. نظنزی مورخ دربار صفویان راه نجات این مردم را آیه ۵۴ سورة زمر می‌داند: «وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (افوشته‌ای نظنزی، ۱۳۵۰، ص ۵۸۲)؛ یعنی آنکه توبه و پیروی از دستورات الهی راه نجات آن‌هاست. در اینجا منظور مورخ اطاعت مجدد خراسانیان از حکومت صفوی است و راه نجات و آرامش آن‌ها را پیروی از دستورات جانشینان خداوند بر روی زمین، یعنی حاکمان صفوی می‌داند. درنهایت نیز مردم خراسان از کرده خود که همان پشت کردن به صفویان بود، نادم و پشیمان شدند و دست به

توبه زدند. آن‌ها مصداق آیه ۱۵ سورة احقاف «إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ» شدند و خداوند کریم نیز به مصداق «هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷) بر آن‌ها ترحم کرد و شر ازبکان را از سر آن‌ها کم نمود و سایه رحمت شاه‌عباس اول پادشاه عدالت‌خواه را بر آن‌ها گسترده (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰، ص ۵۸۳). کم‌کاری و ضعف صفویان سبب کشتار بسیاری از خراسانیان و ناامنی آن منطقه و موجب خشونت تمام و کمال ازبکان در آنجا شده بود. مورخان صفوی این خشونت را با وجود آنکه از طرف دشمن بود، با استفاده از آیات قرآن توجیه و ازبکان را به بلایی از جانب خداوند تشبیه کردند که بر سر مردی ناسپاس نسبت به حکومت صفوی نازل شد. به‌واقع آن‌ها برای مشروع جلوه دادن صفویان، حتی از توجیه خشونت دشمنان خود با استفاده از آیات قرآن هم ابایی نداشتند.

در بسیاری از موارد، مورخان صفوی خشونت جنگی صفویان را امری از پیش تعیین‌شده تلقی کرده و شاهان صفوی را صرفاً عامل اجرای آن از سوی خداوند دانسته‌اند. برای مثال، آن‌ها قتل‌عام‌های شاه‌اسماعیل به هنگام قدرت‌گیری را با استفاده از آیات «إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف: ۳۴)، «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (الرحمن: ۲۶) و «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ» (رعد: ۱۱) توجیه کرده و امری از پیش تعیین‌شده تلقی کرده‌اند (امینی هروی، ۱۳۸۳، صص ۱۰۰-۲۷۶؛ جنابدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۷۵؛ والّه قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶؛ الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۰). چنین روایت‌هایی تاحدودی بر اساس رویکرد تقدیرگرایانه و بدان جهت بود که شاه صفوی را مجری فرامین الهی بشمارند و خشونت او را خشونتی مقدس و مشروع در راستای اهداف الهی جلوه دهند. مورخان همزمان با این نگاه آینه‌نگارانه، از دستورات و راهنمایی‌های ائمه معصومین (ع) به شاه صفوی در قالب رؤیا غافل نبوده و سعی کرده‌اند به هر نحوی این خشونت عریان را مشروع و مقدس نشان دهند. همچنین استفاده از آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) برای توجیه رفتار جنگی شاه‌عباس درباره شورشیان قلعه اندخود (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۲۷) یا استناد به آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (عنکبوت: ۵۷) (جنابدی، ۱۳۷۸، صص ۶۸۲-۶۸۳) نمونه‌های دیگری از توجیه اقدامات خشن جنگی صفویان است. این خشونت در بسیاری از موارد در مورد شیعیان تحت تابعیت صفویان به کار رفته است و مورخان برای روایت خشونت پادشاهانی که ادعای رهبری جهان تشیع را داشتند، ناچار به توجیه آن با استفاده از آیات قرآن کریم بودند.

۵. نسبت دادن نتایج جنگ‌های صفویان به خداوند

در حکومت ایدئولوژیک صفویان، سعی می‌شد هر عملی از سوی حاکمان را به خداوند نسبت دهند. مورخان صفوی در روایت جنگ‌های این حکومت که غالباً با موفقیت نیز همراه بود، این موفقیت‌ها را هدیه‌ای از سوی خداوند به صفویان می‌شمردند. آیات یک تا ده سورة فتح بیشترین کاربرد را در میان مورخان صفوی جهت روایت پیروزی‌های صفویان در میدان جنگ داشت (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۷۱؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸، صص ۱۵۰، ۱۶۴، ۱۷۶ و ۱۹۸؛ والّه قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۷؛ امینی هروی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۵، ۱۳۲، ۲۸۳ و ۲۸۴؛ ناشناس، ۱۳۸۴، صص ۱۶۶-۱۶۹). این امر نیز در راستای نسبت دادن پیروزی‌های صفویان به خداوند بود. استفاده از آیات سورة فتح، علاوه بر آنکه با هدف نشان دادن اراده خداوند در تعیین نتیجه جنگ‌های صفویه بود، تشبیه دشمنان صفوی به مشرکان مکه را نیز دنبال می‌کرد. در همین راستا و به طور طبیعی، شاهان صفوی و نیروهای این سلسله مصداق پیامبر ﷺ و مجاهدان صدر اسلام تلقی می‌شدند.

آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۴۹) از جمله دیگر آیاتی است که مورخان صفوی با استناد به آن در پی اثبات حقانیت نیروهای صفوی و یاری خداوند به آن‌ها در میدان جنگ بودند (امینی هروی، ۱۳۸۳، صص ۸۷، ۱۳۴ و ۲۸۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۸۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸، صص ۲۰۱، ۷۰۹، ۷۱۲؛ الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۱۲؛ افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰، ص ۵۹۵؛ والّه

[قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۹۷۹](#)). این آیه بیشترین کاربرد را در زمان روایت جنگ‌های صفویان با ازبکان و امپراطوری عثمانی داشت؛ زیرا معمولاً تعداد نیروهای صفوی در جریان منازعات داخلی از تعداد شورشیان تعداد بیشتری و در نبرد با عثمانی و ازبکان تعداد صفویان کمتر بود. روایت افوشته‌ای از جنگ صفویان و ازبکان در زمان شاه‌عباس اول، نمونه‌ای دیگر از این دست روایات است. در همین راستا، وی به آیه «مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا» (قصص: ۷۸) استناد و به این موضوع اشاره کرده است که نیروهای قزلباش، با وجود اینکه تعدادشان از نیروهای ازبک کمتر بود، بر آن‌ها پیروز شدند ([افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۴](#)). در برخی موارد نیز مورخان صفوی با استفاده از آیات قرآن، به تعداد فراوان نیروهای دشمن اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه در تاریخ ایلچی، با استناد به آیه «كَانَهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ» (قمر: ۷)، نیروهای سلطان مراد آق‌قویونلو به سبب تعداد زیاد، به ملخ تشبیه شده‌اند ([الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۱](#)). وجود چنین روایاتی در راستای القای این مطلب به خواننده بود که نتایج جنگ‌ها صرفاً به خواست و اراده خداوند بستگی دارد و خداوند نیز صرفاً یاریگر کسانی است که حکم وی را در زمین اجرا می‌کنند و در اینجا مراد مورخان، حاکمان صفوی بود. از نظر مورخان صفوی، تعداد نیروها و ادوات جنگی تأثیری در نتایج جنگ‌ها نداشت و خواست و اراده خداوند که بر همه چیز برتری دارد، تعیین‌کننده بود. هر زمان نیز حکومت صفویان بر اثر نیروهای کمتر یا ادوات جنگی ضعیف‌تر شکست می‌خورد، مورخان سعی می‌کردند به صورت گذرا آن شکست را روایت و نهایتاً توجیه کنند. مهم‌ترین مورد در این زمینه، شکست صفویان در جنگ چالدران بود. اسکندربیک این شکست را چنین توجیه کرده است: «بدون شک خداوند اعلم مقدر فرموده بود که شاه‌اسماعیل در جنگ چالدران شکست بخورد» ([منشی، ۱۹۷۸م، ج ۱، صص ۷۱-۷۲](#)) یا نویسنده عالم‌آرای صفوی با استناد به آیه «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک: ۱) جهت توجیه این شکست استفاده کرده است ([عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳، ص ۴۸۲](#)). در اینجا مورخان روایت آیه‌نگارانه از پیروزی نیروهای کم‌تعداد بر دشمن را کنار نهاده‌اند؛ زیرا در این مورد صفویان نمی‌توانستند مصداقی بیابند. پس این بار با نگاهی تقدیرگرایانه، سعی در توجیه شکست داشتند و شکست را به نوعی امر خداوند جلوه دادند.

در راستای نسبت دادن موفقیت‌های صفویان به خواست خداوند، از آیات «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۵۱)، «وَاللَّهُ يُوَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ» (آل‌عمران: ۱۳) و «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ» (روم: ۴) ([الحسینی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱؛ خواندمیر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۷۰؛ افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۷](#)) به کرات استفاده شده است. از این آیات چنین استنباط می‌شود که خداوند هر کس را بخواهد یاری می‌کند. مورخان صفوی با تکرار این آیات، به دنبال مشروعیت دادن به پیروزی‌های جنگی صفویان بودند تا آنان را مصداق مؤمنانی جلوه دهند که خداوند به آن‌ها وعده کمک و پیروزی داده است. همچنین گرچه آیه «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (آل‌عمران: ۲۶) بیشتر در هنگام بیان روایت تشکیل حکومت صفویان ذکر شده، در روایت برخی از جنگ‌ها نیز مورد استفاده بوده است؛ به‌ویژه جنگ‌هایی که در راه به قدرت رسیدن صفویان رخ داده و ماهیت آن‌ها بیشتر نزاع بین صفویان و خاندان‌های مدعی حکومت بوده است. از این جمله می‌توان به جنگ بین شاه‌اسماعیل و الوند میرزا آق‌قویونلو و جنگ شاه‌اسماعیل با فرخ‌یسار شروانشاه اشاره کرد ([خواندمیر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۶۴؛ امینی‌هروی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹](#)). در زمان شاه‌عباس اول وقتی پیکر محمدسلطان فرمانده ازبکان را با سایر ازبکان به مشهد مقدس نزد شاه بردند، وی این پیروزی جزئی را مقدمه فتوحات بعدی دانست و آیه «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (فتح: ۱) را بر زبان آورد و این فتح و نصرت را در سایه نصرت الهی دانست. همچنین در این زمان، دین‌محمدخان با بیست‌هزار ازبک وارد جنگ شد. درحالی‌که پیروزی ازبکان محتمل بود، نیروهای صفوی صبر کردند و نگریختند تا مصداق آیه «وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۵۰) قرار گیرند. آن‌ها به رسم و آداب جنگ، صفی تشکیل دادند: «الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف: ۴). استناد به این آیه نشان

می‌دهد که از نظر نویسنده، خداوند کسانی را که در راه خدا می‌جنگند، دوست دارد و آنان به عنوان مصداقی از آیه «أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ» (کهف: ۹۶) (افوشته‌ای نظنی، ۱۳۵۰، صص ۵۹۵-۵۹۳)، سد محکمی در برابر کافران هستند. در این روایت جنگی، چندبار و به اشکال مختلف، جهت مشروع جلوه دادن نیروهای صفوی و یاری رساندن خداوند به آن‌ها به آیات قرآن استناد شده است.

۶. کاربرد آیات جهادی در جنگ‌های صفویان با مسلمانان

جنگ با هدف جهاد یا جنگ جهادی، پس از ظهور اسلام و در میان مسلمانان رواج یافت.

جهاد در اسلام جنگی مقدس محسوب می‌شود که در راه اسلام و خداوند انجام می‌شود. بنابراین جنگ‌هایی که دارای خصلت جهادی باشند، جنگ‌های مقدس محسوب می‌شوند. به طور کلی از نظر اسلام و مسلمانان جنگ‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر باشند جنگ مقدس محسوب می‌شوند: جنگ با کفار و مشرکین، جنگ با منافقین، جنگ با پیمان‌شکنان، جنگ با گروه‌های یاغی -جنگ با ستمگران (مهمان نواز و اعتصامی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴).

در متون دینی اسلام و تشیع، جنگ و جهاد و دفاع از سرزمین و نجات ستم‌دیدگان جایگاه مهمی دارد و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است. جهاد در قرآن همراه با تعبیر «فی سبیل الله» می‌آید و هدف آن حفظ مکتب الهی و فضایل اخلاقی است (ادوی و خالندی، ۱۳۹۶، ص ۱۰). در دوره صفوی به عنوان یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران، به جنگ‌ها ماهیت دینی داده‌اند و حتی در صلح‌ها نیز ملاحظات دینی در میان بوده است. در منابع تاریخی، جنگ‌های شاهان این سلسله را «غزا» و «جهاد» توصیف کرده‌اند. در این نوع جنگ‌ها در میدان‌های نبرد از شعارهای دینی استفاده می‌شد و این نکته از ویژگی‌های خاص این دوره بود. همچنین عوامل دینی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در تقویت نیروی نظامی داشت؛ زیرا در تصمیمات فرماندهان صفوی و اطاعت‌پذیری و برانگیختن و تقویت روحی سربازان نقش مهمی ایفا می‌کرد و نیروی نظامی صفوی را در مقابل ارتش رقیب سرپا نگه می‌داشت (رازنهان و مشفق‌فر، ۱۳۹۴، صص ۱۱۰-۱۳۴). یکی از سلاح‌های روانی در این جنگ‌ها، ایجاد باورپذیری سپاهیان به حقانیت جبهه خود و باطل بودن جبهه دشمن بود. این نکته زمینه پیروزی‌های متعدد بر ازبکان سنی‌مذهب را فراهم آورد (متولی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲). مورخان صفوی برای نشان دادن بینش مذهبی شاهان صفوی، وابستگی این سلسله به ائمه (ع) را نشان می‌دادند. آنان شاه‌اسماعیل صفوی را پادشاه مرتضوی می‌خواندند که وجه تشابه زیادی به امام اول شیعیان داشت (خورشاه الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۵۰؛ امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۵؛ جناب‌دی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۴). شاهان صفوی خود را کلب آستان علی می‌نامیدند و این نام‌گذاری نشان‌دهنده ارادتشان به ائمه، به خصوص حضرت علی (ع) بود (منجم، ۱۳۶۶، صص ۱۴۱-۱۴۳).

با وجود آنکه غیر از جنگ با گرجیان و ارمنی‌ها، عمده جنگ‌های صفویان جنگ با مسلمانان بود و طبیعتاً واژه «جهاد» فقط برای جنگ با غیرمسلمانان استفاده می‌شد، باز روایات متعددی وجود دارد که مورخان صفوی این جنگ‌ها را جهادی تلقی کرده‌اند. عمده جنگ‌های صفویان با مسلمانان سنی‌مذهب (ازبکان و عثمانی‌ها) بود. در همین راستا مورخان صفوی سعی کردند اهل سنت را مصداق کفار بدانند و از این طریق به جنگ‌ها رنگ و بوی جنگ جهادی بدهند. برخی فقهای شیعه نیز که در دربار صفویان بودند، بر این مسئله تأکید کردند و حکم دادند. میر ابوالفتح حسینی در کتاب تفسیر شاهی یا آیات الاحکام، جهاد با اهل سنت را همچون جهاد با کفار دانسته است (حسینی جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۵). میرزا محمدرضا مشهدی قمی نیز در تفسیر آیه «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ» (بقره: ۲۵۳)، بر پایه روایتی از امام علی (ع)، به کفر اهل سنت و لزوم نبرد با ایشان حکم داده است (آهنگ، ۱۳۹۲، ص ۲۸۴). چنین تفسیرهایی باعث شد تا مورخان صفوی نیز دشمنان ایشان را که عمدتاً اهل سنت بودند، مصداق کفار بدانند و از آیات جهادی بر علیه آن‌ها استفاده کنند.

حسن بیگ روملو با استفاده از آیه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ» (انعام: ۱۵۳)، دلیل جنگ‌های صفوی با دشمنان را انحراف دشمنان از راه راست می‌داند (روملو، ۱۳۵۷، ص ۱۴۷) و دشمنان از این جهت است که راه کفر را در پیش گرفته‌اند. خواندمیر و جنابدی نیز با استناد به دو آیه «كَأَلَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» (علق: ۶ و ۷) (جنابدی، ۱۳۷۸، ص ۴۵۴؛ خواندمیر ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۸۱)، دشمنان صفویان را مصداق کسانی می‌داند که کفران نعمت کرده‌اند و بنابراین مستحق شدیدترین عذاب‌ها هستند. همچنین دشمنان صفویان را مصداق آیه «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء: ۲۲۷) دانسته و به ظالمانی تشبیه کرده‌اند که به سرزمین‌های مختلف هجوم آورده و به ستمگری پرداخته‌اند (روملو، ۱۳۵۷، ص ۱۶۱). این دشمنان که عمدتاً ازبکان و عثمانی‌ها بودند، به شیطان تشبیه شده‌اند. از نظر ایشان، دو آیه «يَقُولُونَ بِاللَّسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» (فتح: ۱۱) و «وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» (شعراء: ۲۲۶) به این اشاره دارد که دشمنان صفوی در ظاهر به دنبال صلح و دوستی بودند، ولی در باطن می‌خواستند سرزمین‌های صفویان را تصرف کنند. مورخان این عمل دشمنان را به عملی شیطانی تشبیه کرده‌اند: «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ» (انفال: ۴۸). مورخی با توجه به این آیه، آن‌ها را شیطان خطاب و عاقبت کافران را بر طبق آیه «فَمَنْ يَجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ» (ملک: ۲۸) عذاب دردناک ذکر کرده است (روملو، ۱۳۵۷، ص ۲۷۸). چنین توجیه و تفسیرهایی از دشمنان صفوی سبب شده تا مورخان برای ذکر آیات جهادی و آیاتی که دستور به محاربه با کفار و قتل آن‌ها داده است، مشکلی نداشته باشند و دشمنان صفوی را مصداق همان کفار و شیاطین بدانند. استفاده از آیاتی چون «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸)، «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ» (توبه: ۵)، «وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۲۴۶)، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه: ۷۳) (الحسینی، ۱۳۷۹، ص ۲؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۳۵۰-۳۷۰؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۳۳؛ امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۵۴؛ روملو، ۱۳۵۷، ص ۴۵۳؛ خوزانی اصفهانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۱۵) از جمله مواردی است که مورخان صفوی در روایت و توصیف جنگ‌های خاندان صفوی با دشمنانشان به آن آورده‌اند. به‌هرروی، مورخان صفوی ابتدا به مقدمه‌چینی برای کافر جلوه دادن دشمنان خود پرداخته‌اند و پس از برشمردن مواردی از مصادیق کفر آن‌ها، آن‌ها را شایسته کشتن و جنگیدن با آن‌ها را مصداق جهاد دانسته‌اند.

استفاده از آیات جهادی در روایت جنگ‌های صفویان توسط مورخان وابسته به این سلسله، با هدف مقدس شمردن جنگ‌های ایشان و تکفیر دشمنانشان بوده است. در چنین حالتی، کشته‌شدگان سپاه صفوی جایگاهی بهشتی خواهند داشت و نیروهای مخالف آن‌ها در جهنم خواهند بود. بیان این نوع روایت از جنگ، سبب مشروعیت‌بخشی به هرگونه اقدام جنگی از سوی صفویان می‌شد. چنین روایتی از جنگ نزد مورخان صفوی فراوانی زیادی داشت و مورخان غالباً در هنگام روایت جنگ‌های آن دوره، بر استفاده از آیات جهادی تأکید می‌کردند و به آن‌ها متکی بودند.

۷. شواهدی دیگر از کاربرد آیات قرآن در روایت جنگ‌ها

مورخان صفوی سعی داشتند در روایت جنگ‌های آن دوره، بنا بر هر مناسبتی از آیات قرآن استفاده کنند. ایشان حتی در توصیف میدان نبرد نیز چنین می‌کردند. در توصیف جنگ چالدران آورده‌اند: شاه اسماعیل به ترتیب صفوف جنگ پرداخت و در سمت راست محمدخان استاجلو و دورمیش در سمت چپ قرار گرفتند و پس از اتمام این کار:

محبان خاندان حیدر صفدر و خروش رومیان دلاور، عرصه آن میدان از حادثه «إِذَا زُلْزِلَتْ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» اخبار نموده و کثرت دلیران معرکه مردآزمای و بسیاری از سراسیمگان میدان قیامت‌نمای، به سوی مأوای «وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» اشارت فرموده (خواندمیر، ۱۳۷۰، ص ۸۷).

بعدها سایر مورخان صفوی از این آیات سوره زلزال در توصیف جنگ‌های آن دوره به کرات استفاده کردند (جناب‌دی، ۱۳۷۸، صص ۷۹۸-۸۰۴). یکی دیگر از جنگ‌های مهم زمان شاه اسماعیل، جنگ مرو در ۹۱۶ ق با ازبکان بود. امینی هروی صحنه این جنگ را به روز قیامت تشبیه کرده: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ» (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۲) که چنین توصیفی حاکی از هولناک بودن صحنه و میدان جنگ بوده است. همچنین جنگ جام که میان صفویان و ازبکان در سال ۹۳۵ ق رخ داد، این گونه توصیف شده است:

شاه طهماسب در صبح روز شنبه یازدهم سال ۹۳۵، بعد از به جا آوردن سجده شکر به درگاه پروردگار، زره توکل پوشید و پا در رکاب سعادت گذاشت. راست لشکر به سرداری سلطان تكلو و حسین خان شاملو بود. از طرفین آواز نقاره و کرنا به گوش می‌رسید و سپاهیان در میدان جنگ جولان می‌دادند و شمشیر و نیزه سریع آنان در روز قیامت‌نشان، از شعله غضب انتقام‌جویان بوده، مصداق «أَنْتَ الْبَاقِي وَكُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ». زمانی که هر دو سپاه به یکدیگر حمله کردند، بعضی از نیروهای استاجلو پا به فرار گذاشتند و خبر شکست لشکر شاهی به دور و نزدیک و آشنا و بیگانه رسید و نیروهای صفوی ناامید شدند. شاه طهماسب وقتی این اوضاع را مشاهده کرد، دستور داد که تفنگچیان در پرتاب آتش و تفنگ توقف کنند. بعد از گذشت اندک زمانی، شاه طهماسب در کنار علم سفیدی که سپاهیان جمع شده بودند، حضور پیدا کرد و گفت: «لشکر دشمن را شکست خواهیم داد» و ندای «وَيَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا» را سر داد... لشکریان که از کلمات شاه امیدوار گشته بودند، بر قلب سپاه ازبکیه حمله کردند و در همان حمله اول، سپاه ازبک را شکست دادند (خواندمیر، ۱۳۷۰، صص ۱۴۷-۱۴۹).

در توصیف صحنه نبرد میان شاه طهماسب و سلطان سلیمان قانونی با استناد به آیات قرآن نیز چنین آمده است: توپ‌ها را آتش زدند و گوش طیور و وحوش از صدمه فریاد و خروش سنگ و قزقان آوازه «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» به مهابت وحدت مالا کلام استماع می‌نمودند و گوش مهر و ماه از صدمت قوازع سنگ توپ به قوه سامعه صدای «الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ» می‌شنودند. بروج و باره را چنان درهم شکستند که مصدوقه «جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا» مشاهده افتاد (شاه طهماسب، ۱۳۷۰، ص ۲۰۴).

حکومت صفویان به عنوان پرچم‌دار تشیع امامی در آن زمان شناخته می‌شد. بنابراین مورخان صفوی در روایت تاریخ، حتماً به اصول و جهان‌بینی شیعی توجه می‌کردند. روایت غالب شیعه در این باره، آغاز نکردن هر جنگی توسط شیعیان است و این اصل به عنوان بخشی از حقانیت شیعه در نظر گرفته شده است. مهم‌ترین نبرد تاریخ تشیع نیز واقعه کربلا بود که بر طبق روایات، امام حسین علیه السلام آغازگر جنگ نبود و این مورد بعدها توسط شیعیان الگوبرداری شد. بر همین اساس، مورخان صفوی سعی کرده‌اند با استفاده از آیات و روایات، جنگ‌های دوره صفوی را به گونه‌ای روایت کنند که صفویان به عنوان طرف مورد تجاوز جلوه داده شوند و در خصوص شروع جنگ تقصیری متوجه آن‌ها نباشد. به عنوان نمونه در جنگ‌های بین صفویان و ازبکان، به نامه‌های متعدد شاهان صفوی مبنی بر دعوت ازبکان به پرهیز از خشونت و جنگ اشاره شده است. این عمل شاهان صفوی مصداق آیه «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۶۵) و آیه «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (عنکبوت: ۱۸) دانسته شده است (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۶؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶). به زعم مورخان مورد بحث، شاهان صفوی که مدعی جانشینی پیامبر از طریق نیابت امام دوازدهم شیعیان بودند، در اینجا عملی پیامبرگونه انجام دادند و سعی در ارشاد و نصیحت دشمنان نمودند و پس از آنکه این عمل به نتیجه نرسید، دست به خشونت زدند. مقصود مورخان صفوی از چنین روایت‌هایی، اولاً پابندی به اصول پیشوایان شیعه در مورد جنگ‌ها و ثانیاً القای این مطلب بود که شاهان صفوی جانشینان پیامبر و امامان معصوم هستند و عملکرد آن‌ها از روی رفتار پیشوایان دینی الگوبرداری شده است.

نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری صفوی، به تبعیت از فضای کلی جامعه آن عصر و متأثر از سیاست شاهان این سلسله و همچنین به پیروی از ماهیت مذهبی حکومت صفویان، نسبت به نگارش تاریخ رویکردی مذهبی داشته است. مورخان این دوره، به عنوان رسانه و بازوی مشروعیت‌بخش صفویان در همه ابعاد عمل می‌کردند. آن‌ها موظف بودند جنگ‌های متعدد حاکمان صفوی را به گونه‌ای روایت کنند که هم به روایت همه ابعاد جنگ پردازد و هم در راستای مشروعیت دادن به حکومت صفویان عمل کند. درواقع همه تلاش مورخان صفوی، مشروعیت دادن به حاکمان این سلسله بود. یکی از راه‌های مشروعیت‌بخشی به عملکرد حکومت صفویان استفاده از آیات قرآن بود. مورخان صفوی در روایت جنگ‌های آن دوره به گونه‌ای عمل می‌کردند که ضمن روایت بی‌کم‌وکاست موفقیت شاهان صفوی، به اعمال خشن آن‌ها در خلال جنگ‌ها هم مشروعیت دهند. آن‌ها به گونه‌ای از آیات قرآن استفاده می‌کردند که خشونت جنگی صفویان را عملی در راستای اهداف الهی جلوه دهند و به این وسیله هرگونه خشونت جنگی آن‌ها توجیه و البته عملی در راستای اجرای فرامین الهی شمرده شود. مورخان صفوی کامیابی‌های جنگی صفویان را صرفاً نتیجه اراده خداوند می‌دانستند و از طریق روایت آیه‌نگارانه، آن‌ها را به خداوند نسبت می‌دادند. اما همین مورخان در روایت شکست‌های صفویان، ضمن کنار نهادن روایت آیه‌نگارانه، شکست‌ها را نتیجه تقدیر الهی می‌شمردند و به آن نگاهی تقدیرگرایانه داشتند. با وجود آنکه غالب جنگ‌های صفویان با مسلمانان رخ داد، مورخان صفوی سعی کردند ضمن استناد به آیات جهادی، عمل شاهان صفوی را همچون جنگ‌های صدر اسلام عملی جهادی در راستای مقابله با کفار جلوه دهند. به هرروی مورخان صفوی در روایت جنگ‌های آن دوره اتکای ویژه‌ای به آیات قرآن داشتند و از آیات قرآن بیشترین بهره را بردند. آن‌ها سعی کردند هر اتفاق جنگی و نظامی را به نوعی با آیات قرآن مرتبط سازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

قرآن کریم

- ادوای، مظهر؛ و خالندی، انور. (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم جهاد و مصادیق آن در دوره صفویه. *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، ۳۵(۹)، صص ۷-۳۶.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286713.1396.9.35.1.0>
- افوشته‌ای نظری، محمود بن هدايت الله. (۱۳۵۰). نقاوة الآثار في ذكر الأخبار (احسان اشراقی، به اهتمام). انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افوشته‌ای نظری، محمود بن هدايت الله. (۱۳۷۳). نقاوة الآثار في ذكر الأخبار (احسان اشراقی، به اهتمام). انتشارات علمی و فرهنگی.
- امینی هروی، ابراهیم بن میرک جلال‌الدین. (۱۳۸۳). فتوحات شاهی (محمدرضا نصیری، مصحح). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- آرام، محمداقبر. (۱۳۸۶). اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی. مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- آهنگ، علی. (۱۳۹۲). تحقیق و تصحیح انتقادی تفسیر تبیان سلیمانی [پایان‌نامه دکتري، دانشگاه فردوسی مشهد]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
- پاینده، عظیمه؛ و جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). اسکندریبگ ترکمان و آیه‌نگاری‌اش در عالم‌آرای عباسی. *مجله پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۳۰(۸)، صص ۱۱۳-۱۲۸.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22519726.1397.1.30.6.0>
- ترکمان، اسکندریبگ. (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی (ایرج افشار، مصحح). امیرکبیر.
- جنابدی، میرزاییگ بن حسن. (۱۳۷۸). روضة الصفویه (غلامرضا طباطبایی مجد، به کوشش). بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حسینی جرجانی، میرابوالفتح. (۱۳۶۲). تفسیر شاهی. نوید.
- حسینی قمی، قاضی احمد بن حسین. (۱۳۸۳). خلاصة التواریخ (احسان اشراقی، مصحح). انتشارات دانشگاه تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۷۰). تاریخ شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب السیر) (محمدعلی جراحی، مصحح). انتشارات نشر گسترده.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر. خیام.
- خوزانی اصفهانی، فضل. (۱۳۹۸). افضل التواریخ (احسان اشراقی و قدرت‌الله پیشنمازاده، به کوشش). میراث مکتوب.
- رازنهان، محمدحسن؛ و مشفق، ابراهیم. (۱۳۹۴). ارزیابی نقش مؤلفه‌های دینی در توان نظامی حکومت صفوی. *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، ۲۷(۲)، صص ۱۰۷-۱۳۸.
- روملو، حسن‌بیگ. (۱۳۵۷). احسن التواریخ (عبدالحسین نوابی، به کوشش). بایک.
- شاه‌طهماسب. (۱۳۷۰). عالم‌آرای شاه‌طهماسب (ایرج افشار، به کوشش). دنیای کتاب.
- غفرانی، علی و همکاران. (۱۴۰۲). تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی تاریخ ایلچی نظام‌شاه). پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ۲(۲)، صص ۱۰۹-۱۳۷.
- قاسمی، علی و همکاران. (۱۴۰۳). تعبیر قرآنی به منزله نشانگان فرهنگی مشروعیت‌بخش شاه‌اسماعیل اول صفوی؛ مطالعه موردی فتوحات شاهی. علم و تمدن در اسلام، ۵(۹)، ۴۳-۶۷. DOI: 10.22034/icsr.2024.460485.1271
- الحسینی، خورشاه بن قباد. (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام‌شاه (محمدرضا نصیری و کوئچی هاندها، تصحیح). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- متولی، عبدالله؛ و محمدی، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی تاریخ: کتاب خلد برین). مطالعات اجتماعی قرآن، ۱۲(۱)، ۹۶-۱۱۵. DOI: 10.22084/qss.2024.28794.1015
- متولی، عبدالله. (۱۳۹۱). بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی. *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، ۲۴(۱)، ۱۶۹-۱۹۱.
- منجم، جلال‌الدین. (۱۳۶۶). تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال) (سیف‌الله وحیدنیا، به کوشش). انتشارات وحید.
- منشی قزوینی، بوداق. (۱۳۷۸). جواهر الأخبار (محسن بهرام‌نژاد، مصحح). میراث مکتوب.
- مهمان‌نواز، محمود. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل رویکرد تاریخ‌نگاری دوره صفویه در قبال حملات شاه‌طهماسب به گرجستان. *مجله تاریخ ایران*، ۱۴(۱)، ۴۵-۶۴.
<https://doi.org/10.52547/irhj.14.1.45>
- مهمان‌نواز، محمود. (۱۴۰۲). بررسی روایت آیه‌نگارانه تاریخ‌نگاری صفوی از قدرت‌گیری شاه‌اسماعیل. قرآن فرهنگ و تمدن، ۴(۳)، ۸۲-۱۰۵.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2023.415688.1244>
- مهمان‌نواز، محمود؛ و اعتصامی، علی. (۱۳۹۹). تحلیلی بر رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ صفوی؛ روایتی مقدس از جنگ‌های مقدس. *مجله مطالعات تاریخی جنگ*، ۴(۳)، ۱۰۱-۱۲۲.
<https://doi.org/10.52547/hsow.4.3.101>
- نادری، عزت‌الله؛ و سیف‌نراقی، مریم. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. بدر.
- ناشناس. (۱۳۶۲). عالم‌آرای صفوی (یدالله سکری، به کوشش). انتشارات اطلاعات.
- ناشناس. (۱۳۸۴). عالم‌آرای شاه‌اسماعیل (اصغر منتظرصاحب، مصحح). انتشارات علمی و فرهنگ.
- واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف. (۱۳۷۲). خلد برین (میرهاشم محدث، مصحح). بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

Monshi, Eskandar Beg, (1978), The History of Shaah 'Abbās the Great (Tārīkh-e 'Ālamārā-ye 'Abbāsī), V.1, Translated by Roger. M. Savor Ed Ehsan Yarshater, Persian Heritage Series, Boulder, Colorado, Westview Press.



An Examination of the Application of Qur'anic Verses in the Historiography of Safavid Wars (907-1038 AH / 1501-1629 CE)

Mahmud Mehmnavaz¹  Yusuf Karami Chameh²  Marzieh Jamshidnejhad³ 

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Language and Literature, Amin Police University, Tehran, Iran.

3. M.A. in Islamic History, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Corresponding Email: mehmnavaz86@gmail.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.493783.1419>

Introduction

The establishment of the Safavid dynasty in Iran in 907 AH (1501 CE) and the continuation of its rule were accompanied by numerous wars. These conflicts occurred both internally-to suppress domestic opposition-and externally, in response to foreign threats. While some resulted in Safavid victories, others ended in failure. Safavid historians were expected to narrate these wars regardless of the outcome, but in ways that would not displease the ruling monarchs. Accordingly, their narratives were crafted in alignment with the worldview and religious ideology of the Safavid state. One of the most prominent features of Safavid war historiography was the incorporation of Qur'anic verses-referred to as āyeh-negārī. The primary aim of this practice was to legitimize the military actions of the Safavid kings.

Methodology

This study employs a historical-analytical method to examine the issue. Data were collected through library-based research and analyzed through interpretive reasoning grounded in a variety of sources. In historical research, the library method remains fundamental and indispensable. The key sources used in this study are historical texts authored by Safavid historians up to the end of the reign of Shah 'Abbās I (d. 1038 AH / 1629 CE). All extant Safavid-era chronicles were reviewed. While some offered little relevant information, many made significant use of āyeh-negārī. It appears that the closer a historical account was written to the time of the actual battles, the more extensive the use of Qur'anic verses.

For example, Futhūhāt-e Shāhī by Amīnī Haravī, composed during the reign of Shah Ismā'īl, draws heavily upon Qur'anic citations. In contrast, Tārīkh-e 'Ālamārā-ye 'Abbāsī, written in Shah 'Abbās's reign, relies less on verses when recounting Shah Ismā'īl's battles-though Iskandar Beg himself draws extensively upon the Qur'an when narrating Shah 'Abbās's campaigns. In addition to first-hand sources from the Safavid period, this study also incorporates findings from modern research. Ultimately, data were gathered using a library-based approach, and conclusions were drawn through textual interpretation and critical analysis.

Findings

Safavid historiography-shaped by the broader ideological atmosphere, Safavid royal policy, and the religious foundations of the dynasty-tended to adopt a theological approach to historical writing. Historians acted as ideological agents and legitimacy-builders for the Safavid state. Their role was to chronicle the dynasty's numerous military campaigns in a way that covered all aspects of warfare while simultaneously reinforcing the legitimacy of Safavid rule.



One of the main strategies employed to confer such legitimacy was the use of Qur'anic verses. In recounting Safavid military history, historians sought not only to detail the kings' victories but also to justify their violent actions on the battlefield. They employed verses that would portray the brutality of war as aligned with divine purposes, thereby presenting acts of war as the implementation of God's commands.

Safavid historians attributed military success solely to the will of God and supported this notion through āyeh-negārī. However, in cases of defeat, they typically avoided citing Qur'anic verses and instead framed the loss as a matter of divine predestination. Although most of the Safavid conflicts were with other Muslims, historians used verses related to jihād to present these wars as sacred struggles against unbelievers, similar to the Prophet's campaigns.

Conclusion

In sum, Safavid historians relied heavily on the Qur'an to legitimize warfare, link events to scripture, and elevate the status of rulers. The findings indicate that their āyeh-negārī narratives served the following purposes: legitimizing the wars, justifying violent conduct, explaining defeats in fatalistic terms, and attributing victories to divine will—often by likening the kings to prophets. The verses were carefully selected to align with and confirm the ideological goals of the writers.

Keywords

Safavid, Historiography, Qur'anic Verses, War, Narrative.

Author contributions

ADS: Writing - original draft, Writing - review & editing.

Conflict of interest

The author affirms that this research was conducted without any commercial or financial affiliations that could be interpreted as a potential conflict of interest.

Publisher's note

All claims expressed in this article are solely those of the authors and do not necessarily represent those of their affiliated organizations, or those of the publisher, the editors, and the reviewers. Any product that may be evaluated in this article, or claim that may be made by its manufacturer, is not guaranteed or endorsed by the publisher.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

The Holy Quran. [In Arabic]

Adwāy, M., & Khālandī, A. (2017). "An Analysis of the Concept of Jihād in the Safavid Era." *Islamic History Studies*, 9(35), 7–36. [In Persian]

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286713.1396.9.35.1.0>

Afūsteh'ī Naṭanzī, M. b. H. (1971 & 1994). *Naqāwat al-Āthār fī Dhikr al-Akhhbār*, ed. E. Eshraqī. Bongāh-e Tarjomeh va Nashr-e Ketāb; 'Elmi va Farhangī. [In Persian]

Āhang, 'A. (2013). *Critical Edition of Tafsīr-e Tebyān-e Soleymānī*. PhD thesis, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]

al-Ḥusaynī, Kh. b. Q. (2000). *Tārīkh-e Īlchī-e Nizām Shāh*, eds. M.-R. Naṣrī & K. Haneda. Iranian Association of Cultural Heritage. [In Persian]

Amīnī Haravī, E. b. M. J. (2004). *Futhūhāt-e Shāhī*, ed. M.-R. Naṣrī. Iranian Association of Cultural Heritage. [In Persian]

Anonymous (1983). *Ālamārā-ye Ṣafavī*, ed. Y. Shokrī. Ettelā'āt. [In Persian]

Anonymous (2005). *Ālamārā-ye Shāh Ismā'īl*, ed. A. Montazir Ṣāhib. 'Elmi va Farhangī. [In Persian]

Ārām, M.-B. (2007). *Historical Thought in the Safavid Period*. Amīr Kabīr. [In Persian]

Ghofrānī, 'A., et al. (2023). "Speech Act Analysis in Qur'anic Citations of Safavid Sources (Case Study: Tārīkh-e Īlchī-e Nizām Shāh)." *New Research in Shi'i Civilization and History*, 2(2), 109–137. [In Persian]

Ḥusaynī Jurjānī, M. A. (1983). *Tafsīr-e Shāhī*. Navīd. [In Persian]

Ḥusaynī Qumī, Q. A. b. Ḥ. (2004). *Khulāṣat al-Tavārīkh*, ed. E. Eshraqī. Tehran University Press. [In Persian]

Janābadī, M. B. b. Ḥ. (1999). *Rawḍat al-Ṣafaviyyah*, ed. Gh.-R. Ṭabāṭabā'ī Majd. Dr. Maḥmūd Afshār Foundation. [In Persian]

Khowzānī Eṣfahānī, F. (2019). *Afḍal al-Tavārīkh*, eds. E. Eshraqī & Q.-A. Pīshnemāzzādeh. Mīrāth-e Maktūb. [In Persian]

Khwandāmīr, Gh. al-D. b. Ḥ. al-D. (1991 & 2001). *Tārīkh-e Ḥabīb al-Siyar*. Khayyām; Nashr-e Gostar deh. [In Persian]

Mutavallī, 'A., & Moḥammadī, R. (2023). "Speech Acts in Qur'anic Citations of the Safavid Period (Case Study: Khold-e Barīn)." *Social Quranic Studies*, 2(1), 96–115. <https://doi.org/10.22084/qss.2024.28794.1015> [In Persian]

Motavallī, 'A. (2012). "Religious Rhetoric in Safavid Correspondence." *Islamic History Studies*, 4(12), 169–191. [In Persian]

Munajjem, J. al-D. (1987). *Tārīkh-e 'Abbāsī (Rūznāmeḥ-ye Mullā Jalāl)*, ed. S.-A. Vaḥīd-Niyā. Vaḥīd. [In Persian]

Munshī Qazvīnī, B. (1999). *Jawāhir al-Akhhbār*, ed. M. Bahrāmnezhād. Mīrāth-e Maktūb. [In Persian]

Mehmānavāz, M. (2021). "Historiographical Attitudes toward Shah Tahmāsp's Campaigns in Georgia." *Journal of Iranian History*, 14(1), 45–64. <https://doi.org/10.52547/irhj.14.1.45> [In Persian]

Mehmānavāz, M. (2023). "Qur'anic Citation and Historiography in the Rise of Shah Ismā'īl." *Qur'an, Culture, and Civilization*, 4(3), 82–105. <https://doi.org/10.22034/jksl.2023.415688.1244> [In Persian]

Mehmānavāz, M., & E'teṣāmī, 'A. (2020). "Religious Narratives in Safavid Historiography on the Wars of the Safavid Shaykhs." *Historical Studies of War*, 4(3), 101–122. <https://doi.org/10.52547/hsow.4.3.101> [In Persian]

Munshi, E. B. (1978). *The History of Shāh 'Abbās the Great (Tārīkh-e Ālamārā-ye 'Abbāsī)*, vol. 1, trans. R. M. Savory, ed. E. Yarshater. Boulder, Westview Press.

Nāderī, 'E.-A., & Seyf-Narāqī, M. (2006). *Research Methods in the Humanities*. Badr. [In Persian]

Pāyandeh, 'A., & Ja'farī, 'A.-A. (2018). "Iskandar Beg Turkman and His Qur'anic Inscription Practices in Tārkh-e 'Ālamārā-ye 'Abbāsī." *Islamic History Research Journal*, 8(30), 113–128. [In Persian]
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22519726.1397.1.30.6.0>

Qāsemī, 'A., et al. (2025). "Qur'anic Expressions as Cultural Markers for Legitimation in Safavid Political Thought." *Science and Civilization in Islam*, 5(19), 43–67. <https://doi.org/10.22034/icrs.2024.460485.1271> [In Persian]

Rāznehān, M.-H., & Moshefeqī, E. (2015). "The Role of Religious Factors in the Military Power of the Safavids." *Islamic History Studies*, 7(27), 107–138. [In Persian]

Rūmlū, H. B. (1978). *Aḥsan al-Tavārīkh*, ed. 'A. al-Ḥ. Navā'ī. Bābak. [In Persian]

Shāh Ṭahmāsp I (1991). *'Ālamārā-ye Shāh Ṭahmāsp*, ed. Ī. Afshār. Donyā-ye Ketāb. [In Persian]

Turkmān, I. B. (2003). *Tārīkh-e 'Ālamārā-ye 'Abbāsī*, ed. Ī. Afshār. Amīr Kabīr. [In Persian]

Vāla Qazvīnī Eṣfahānī, M.-Y. (1993). *Khold-e Barīn*, ed. M. Moḥaddith. Dr. Maḥmūd Afshār Foundation. [In Persian]

How to cite:

Mehmannavaz, Mahmud., Karami Chameh, Yusuf., Jamshidnejhad, Marzieh . (2025). An Examination of the Application of Qur'anic Verses in the Historiography of Safavid Wars (907–1038 AH / 1501–1629 CE). *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 113-129. <http://doi.org/10.22034/jksl.2025.493783.1419>

